http://irannewspaper.ir
editorial@irannewspaper.ir
ایران فرهنگی

مروری بر مضامین ادعیه خاصه حضرت زهرا(س)

شکوه زندگی معنوی در نیایش های فاطمی

اعظم نعمت اللهی
دین پژوه

یکی از بهترین راه‌های ارتباط مخلوق با خالق، دعا و نیایش است. دعا هم عرصه شناخت خداوند است، هم زمینه‌ای برای انس با او و هم عامل ارزش یافتن انسان چنانکه در آیه شریفه وسیله اعتنای آفریدگار به آفریدگان را دعا می‌داند. (فرقان، ۷۷).

فرستادگان الهی نیز پیوسته با مناجات‌هایشان به پروردگار تقرب جسته‌اند. مسأله دعا و تضرع به عنوان یک اصل در حیات معنوی انسان‌ها بویژه اولیای الهی مطرح شده، از این رهگذر آخرین پیامبرش حضرت محمد (ص) که قرآن برایشان نازل شده بود نیز ساعاتی از شب و روز را به ذکر دعا و نیایش خدا اختصاص می‌داد.

در امتداد نیایش‌های خالصانه آن حضرت، حضرات معصومین (علیهم السلام) که معرفت‌شان نسبت به خدای یگانه و مقام الوهیت و ربوبیت کامل است، به فضل خدا دریچه‌هایی تازه از نور فراخوان همیشگی پروردگار به دعا را روی بشر گشودند، که گشایشی این چنین، تنها از ساحت پاک و قدسی آنان میسر بود. حضرت فاطمه (س) آن روح لیلة‌القدر که از محراب عبادتش نور به طرف آسمان ساطع می‌شد در دعاهای بلیغ، رسا و سرشار از معانی اعتقادی، عرفانی به تسبیح و تقدیس پروردگار پرداخت.

با توجه به اینکه بانوی بانوان ام الائمه و خود اسوه کامل است، آشنایی با درونمایه نیایش‌های حضرتش می‌تواند الگو و راهنمای کاملی برای مسلمانان باشد. از آنجا که ایشان را اکثراً با مصایب‌شان می‌شناسیم و کمتر به مقامات علمی و عرفانی آن توجه شده است، لازم است تا به بررسی نیایش‌های آن حضرت پرداخت تا شاید بدین وسیله گوشه‌ای از مقامات والای ایشان آشکار شود.

البته تاکنون در مورد حضرت فاطمه (س) کتاب‌های گوناگونی نگاشته شده که یکی از موضوعات آن‌ها نیایش‌های ایشان است، اما در اکثر آن‌ها تنها به ذکر نیایش‌ها بسنده شده و به شرح و تحلیل آن‌ها نپرداخته اند. از جمله در فصل دهم کتاب «الموسوعة الکبری عن فاطمة الزهراء» اثر مرحوم استاد اسماعیل انصاری زنجانی که تمام دعاهای حضرتش آمده است. به اقتضای اختصار این گفتار، تنها منتخبی از جملات برخی از دعاها به طور مختصر مرور می‌شود.

■ ۱.تسبیح خدای متعال

سُبْحَانَ ذِی الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِیفِ، سُبْحَانَ ذِی الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِیمِ، سُبْحَانَ ذِی الْمُلْکِ الْفَاخِرِ الْقَدِیمِ وَ...

«پاک و منزه است خداوند صاحب عزت، والا و بلند، منزه است خداوند صاحب جلال و عظمت بلند و بزرگ، منزه است خداوند صاحب فرمانروایی بالنده و گرانمایه و دیرینه.»تسبیح در لغت به معنی منزه و پاک دانستن خدا از نقایص امکان و نشانه‌های حدوث و از عیب‌های ذات و صفات است. مراد از تسبیحات در اینجا همان دعاهایی است که در باب تنزیه خداوند متعال است که بر زبان حضرت زهرا (س) جاری شده است.

■ ۲. حمد خداوند بر نعمت توحید

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَجْعَلْنِی جَاحِداً لِشَیْءٍ مِنْ کِتَابِهِ وَ لَا مُتَحَیِّراً فِی شَیْءٍ مِنْ أَمْرِهِ.

«حمد، خدای را که مرا منکر کتابش و سرگردان در امر خود نگردانید.»این دعا کلام کسی است که ارزش توحیدباوری را شناخته و با دانش و بینش خود، به فهم مقامات معنوی آیات قرآنی نائل آمده باشد. کسی که در هیچ امر قرآنی متحیر نیست، باید صاحب عصمت باشد. روزی پیامبر (ص) از او پرسید: دخترم چه درخواستی داری؟ اکنون فرشته وحی در کنار من است و از جانب خدا پیام آورده و هر چه بخواهی تحقق می‌پذیرد. او در جواب گفت: «لذتی که از خدمت به خدا می‌برم مرا از هر خواهشی باز داشته، مرا حاجتی جز این نیست که پیوسته ناظر جمال زیبا و والای خداوند باشم.» (ریاحین الشریعه، ج ۱ ص ۱۰۵).نیز می‌فرماید: «سپاس خدایی را که منحصراً به وسیله نعمت او، به شناخت او و عمل برای او و تمایل به سوی او و اطاعت از دستورش نائل گشتم.»درباره اهمیت و ارزش حمد کافی است اشاره شود که در روایت امیرالمؤمنین علیه السلام «حمد» به عنوان «کلید یاد حق» و «عامل ارتباط بنده با خداوند» معرفی شده است که نتیجه واثر آن برخورداری از فضل و رحمت حق بوده و عامل معرفت نعمت‌ها و پی بردن به عظمت خداوند است (نهج‌البلاغه، ص ۲۹۳).

■ ۳. درخواست‌های متعالی و برتر

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ قَوْلَ التَّوَّابِینَ وَ عَمَلَهُمْ وَ نَجَاةَ الْمُجَاهِدِینَ وَ ثَوَابَهُمْ وَ تَصْدِیقَ الْمُؤْمِنِینَ وَ تَوَکُّلَهُمْ وَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْأَمْنَ عِنْدَ الْحِسَابِ.

«خداوندا، از تو گفتار و عمل توبه کنندگان، نجات و پاداش جهادگران، تصدیق و توکل مؤمنان، آسودگی در هنگام مرگ و ایمنی هنگام حساب و بازپرسی را خواستارم.»

در اهمیت این درخواست‌ها، همین بس که می‌بینیم امام صادق(ع) نیز در موضع دعا، همان درخواست‌های مادر بزرگوارشان را مطرح می‌کند:

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ قَوْلَ التَّوَّابِینَ وَ عَمَلَهُمْ وَ نُورَ الْأَنْبِیَاءِ وَ صِدْقَهُمْ وَ نَجَاةَ الْمُجَاهِدِینَ وَ ثَوَابَهُمْ وَ شُکْرَ الْمُصْطَفَیْنَ وَ نَصِیحَتَهُمْ وَ عَمَلَ الذَّاکِرِینَ وَ یَقِینَهُمْ وَ إِیمَانَ الْعُلَمَاءِ وَ فِقْهَهُمْ وَ تَعَبُّدَ الْخَاشِعِینَ وَ تَوَاضُعَهُمْ وَ حُکْمَ الْفُقَهَاءِ وَ سِیرَتَهُمْ وَ خَشْیَةَ الْمُتَّقِینَ وَ رَغْبَتَهُمْ وَ تَصْدِیقَ الْمُؤْمِنِینَ وَ تَوَکُّلَهُمْ (الکافی، ج ۲ ص ۵۹۳).

با توجه به کلام این دو بزرگوار معلوم می‌شود که آنها بهترین امور ممکن را از خداوند طلب کرده‌اند که هم سعادت دنیا و هم سعادت آخرت را در پی دارد. همچنین می‌توان گفت که هدف اصلی آنها سعادت اخروی است و اگر چیزی در این دنیا از خداوند طلب می‌کنند، آن را تنها در راستای سعادت اخروی می‌خواهند.

■ ۴. توجه به واسطه‌های نعمت

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ وَ عَلَی جَمِیعِ الْأَنْبِیَاءِ وَ الْمُرْسَلِینَ وَ عَلَی الْمَلَائِکَةِ أَجْمَعِینَ وَ عَلَی آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ وَ عَلَی أَئِمَّةِ الْهُدَی أَجْمَعِینَ، آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا هَدَیْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا رَحِمْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا عَزَّزْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا فَضَّلْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا بَصَّرْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا أَنْقَذْتَنَا بِهِ مِنْ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ.

«خداوندا، بر حضرت محمد خاتم پیامبران و بر تمام پیامبران و فرستادگان و بر همه فرشتگان و بر خاندان پاک و پاکیزه او و بر همه ائمه هدی درود فرست. اجابت فرما، ای پروردگار عالمیان. خدایا، بر حضرت محمد درود فرست همان گونه که ما را به وسیله او هدایت فرمودی، بر حضرت محمد درود فرست همان گونه که ما را به واسطه او مورد رحمت خویش قرار دادی، بر حضرت محمد درود فرست همان گونه که ما را به واسطه او سرافراز فرمودی، بر حضرت محمد درود فرست همان گونه که ما را به وسیله او برتری دادی، بر حضرت محمد درود فرست همان گونه که ما را به وسیله او شرافت دادی، بر حضرت محمد درود فرست همان گونه که ما را به وسیله او بینا گردانیدی، بر حضرت محمد درود فرست همان گونه که ما را به وسیله او از پرتگاه گودال آتش جهنم رهایی بخشیدی.»

در آموزه‌های دینی آمده است که سپاسگزاری از خداوند در برابر نعمت‌هایش زمانی کمال می‌یابد که انسان واسطه‌های نعمت را نیز در نظر آورد و شکر و سپاس آنها را فراموش نکند. مهم‌ترین واسطه تمام نعمت‌های الهی پیامبر و خاندان ایشان هستند که وسیله هدایت و عزت و سرافرازی و شرافت و برتری ما می‌شوند. بعد از این دعاها، حضرت فاطمه (س) از خدا می‌خاهد که ایشان را پیرو راه و روش پیامبر قرار دهد و از او اطاعت کند و بر آیین پیامبر بمیرد. این درخواست حضرتش مشابه درخواست کسانی است که به حضرت موسی(ع) ایمان آورده بودند و در مقابل فرعون ایستادند.

■ ۵. حذر از ناسپاسی

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَجْعَلْنِی کَافِراً لِأَنْعُمِهِ وَ لَا جَاحِداً لِفَضْلِهِ، فَالْخَیْرُ فِیهِ وَ هُوَ أَهْلُهُ.

«ستایش خداوندی را که مرا ناسپاس نعمت‌ها و منکر فضل خود قرار نداد، پس خیر از اوست و تنها او زیبنده آن است.»

حضرت زهرا(س) همواره در برابر کفران نعمت خداوند حساس بوده و همواره شکر حضرت حق را به جا آورده است. آنگاه خداوند را به این دلیل می‌ستاید که ایشان را به شکرگزاری در برابر نعمت‌های الهی موفق گردانیده است. در نگاه اهل بیت(ع)، خداوند همواره شایسته سپاسگزاری است و حتی زمانی که نعمتی از انسان زدوده می‌شود بیشتر باید سپاسگزاری کرد.

■ ۶. رفتارهای نکوهیده

اللَّهُمَّ انْزِعِ الْعُجْبَ وَ الرِّیَاءَ وَ الْکِبْرَ وَ الْبَغْیَ وَ الْحَسَدَ وَ الضَّعْفَ وَ الشَّکَّ وَ الْوَهْنَ وَ الضُّرَّ وَ الْأَسْقَامَ وَ الْخِذْلَانَ وَ الْمَکْرَ وَ الْخَدِیعَةَ وَ الْبَلِیَّةَ وَ الْفَسَادَ مِنْ سَمْعِی وَ بَصَرِی وَ جَمِیعِ جَوَارِحِی، وَ خُذْ بِنَاصِیَتِی إِلَی مَا تُحِبُّ وَ تَرْضَی، یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ.

«خداوندا، به خود بالیدن و ریا و کبر و ستم و حسد و ناتوانی و شک و سستی و ضرر و بیماری‌ها و شکست و مکر و فریب و گول زدن و گرفتاری و تباهی را از گوش و چشم و همه اعضا و جوارحم جدا کن و موی پیشانی [و تمام وجود] مرا به سوی آنچه دوست می داری و موجب خشنودی توست بگیر و بکش، ای مهربان‌ترین مهربان‌ها.»

در اینجا حضرتش خواستار محو تمام زشتی‌های نام برده است، چرا که هرکدام از آنها موجبات نارضایتی حق را فراهم می‌آورد. به علاوه هر یک از آنها چهره زیبای زندگی را تیره می‌سازد و نه تنها در آخرت که در دنیا نیز آرامش و آسایش را از انسان می‌گیرد. البته برای دوری از اینگونه کارهای ناپسند باید به پناه خدا برود.

■ ۷. کیفر ستمگران

اللَّهُمَّ اجْعَلْ ثَارِی عَلَی مَنْ ظَلَمَنِی وَ انْصُرْنِی عَلَی مَنْ عَادَانِی

«خداوندا، انتقام مرا از کسانی که به من ستم روا داشته اند بگیر و مرا بر کسانی که با من سر ستیز دارند پیروز گردان.»در ابتدای این فراز، حضرتش از خداوند درخواست می‌کند که از کسانی که به او ظلم روا داشته‌اند انتقام بگیرد. این درخواست را از کسی می‌کند که «ذوانتقام» (یعنی کیفرستان) است. صدیقه کبری در این مسیر از خداوند یاری و نصرت می‌خواهد.

از اینگونه بیان ائمه، معلوم می‌شود که آنها همواره در محضر خداوند، ادب را رعایت کرده و حتی در مقام شکایت و دادخواست، از الفاظ نامناسب استفاده نمی‌کردند. این گونه روش دعا کردن می‌تواند برای ما آموزنده باشد. از سوی دیگر آن بانوی آسمانی در کنار این دعا، خود در برابر ستمگران ایستاده و تن به ظلم ظالمان نداده است.

■ ۸. گذار از دنیا محوری

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ مُصِیبَتِی فِی دِینِی وَ لَا تَجْعَلِ الدُّنْیَا أَکْبَرَ همی وَ لَا مَبْلَغَ عِلْمِی.

«خدایا، مصیبت مرا در دینم قرار مده و دنیا را بزرگترین هم و غم و نهایت اندازه دانشم قرار مده.»

حضرت در اینجا از خدا می‌خواهد به گونه‌ای نباشد که تمام هم و غم و تلاش و فکرشان دنیا باشد و می‌خواهند دانش و علم ایشان تنها به دنیای گذرا محدود و ختم نشود، بلکه دانشی داشته باشند که بتوانند آخرت را نیز بشناسند تا با آگاهی به انجام اعمال جاودانه بپردازند.

■ ۹. درخواست رفتارهای انسانی - الهی

أَسْأَلُکَ خَشْیَتَکَ فِی الْغَیْبِ وَ الشَّهَادَةِ، وَ الْعَدْلَ فِی الْغَضَبِ وَ الرِّضَا، وَ أَسْأَلُکَ الْقَصْدَ فِی الْفَقْرِ وَ الْغِنَی، وَ أَسْأَلُکَ نَعِیماً لَا یَبِیدُ، وَ قُرَّةَ عَیْنٍ لَا تَنْقَطِعُ، وَ أَسْأَلُکَ الرِّضَا بَعْدَ الْقَضَاءِ، وَ أَسْأَلُکَ لَذَّةَ النَّظَرِ إِلَی وَجْهِکَ.

«هراس از خود را در نهان و آشکار، عدل و داد در حال خشم و خرسندی، میانه روی در حال فقر و غنی، آن نعمت معنوی را که هرگز از بین نمی رود، نور چشمی را که هرگز تمام نشود، خشنودی بعد از قضا و اراده حتمی ات و لذت نظر به دیدار [جلوه‌هایت] را از تو می خواهم.»

تقاضای عدل در حال خرسندی و غضب یعنی رعایت اعتدال در هر حال، انسان را به فکر فرو می‌برد که در هر حال باید عدالت را رعایت نمود چنان که در موارد فراوان آموزه‌های دینی ما را از افراط و تفریط بازداشته‌اند.

از سوی دیگر، امام علی علیه السلام می‌فرماید: «هر که در توانگری و تهیدستی میانه روی کند ،خود را برای حوادث سخت روزگار آماده کرده است.» (غرر الحکم، ص ۳۵۴)

■ ۱۰. توکل همواره بر آفریدگار

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنْ تَوَکَّلَ عَلَیْهِ کَفَاهُ.

«سپاس خدایی که هر کس بر او توکل نماید، او را کفایت می فرماید.»هنگامی که انسان برخدا توکل کند و تمام امور خود را به او واگذارد، خداوند به بهترین وجه امور او را سامان می‌دهد.

■ ۱۱. طلب نور و هدایت همواره

اسئلک... أَنْ تَهَبَ لِی یَقِیناً وَ هَدْیاً وَ نُوراً وَ عِلْماً وَ فَهْماً حَتَّی أُقِیمَ کِتَابَکَ وَ أُحِلَّ حَلَالَکَ وَ أُحَرِّمَ حَرَامَکَ وَ أُؤَدِّیَ فَرَائِضَکَ وَ أُقِیمَ سُنَّةَ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ.

«از تو می‌خواهم که... یقین و هدایت و نور و آگاهی و فهم و دریافتی به من ارزانی داری تا اینکه کتابت را به پا دارم. و حلال تو را حلال و حرام تو را حرام بدانم و واجبات را ادا و روش پیامبرت حضرت محمد (ص) را برپا دارم.»

حضرت زهرا سرمایه‌های جاودانه ای مانند یقین، نور و مانند آنها را از خدا تقاضا می‌کند تا امر مهم‌تری را که برپایی دین خداست، برپا دارند.

■ ۱۲. درخواست روزی حلال پاک

وَ ارْزُقْنَا مِنْ فَضْلِکَ الْوَاسِعِ رِزْقاً حَلَالاً طَیِّباً.

«و از فضل گسترده‌ات ما را از روزی پاک و حلال بهره مند گردان.»مراد از رزق صرفاً رزق مادی نیست، بلکه رزق معنوی را نیز شامل می‌شود. وقتی انسان چنین بخواهد، دیگر وابسته و محتاج به غیر نمی‌شود و در نتیجه خوار و ذلیل هم نمی‌شود؛ زیرا روزی دهنده خداست، خدایی که از روی کرامت به انسان روزی می‌دهد.

■ سخن آخر

این جملات، تنها بخشی از کلماتی است که منشور جاودانه سبک زندگی فاطمی را نشان می‌دهد. این منشور، گمشده امروز ماست که خدایمان دیروز به ما بخشیده تا امروز نیک در آن بنگریم و با دقت در آن توشه‌ای برای فردایمان برگیریم. بدان امید که با همین رهتوشه، از جامعه موجود به سوی جامعه موعود گام‌های جدی‌تر برداریم و برای فردای درخشان ظهور آماده شویم.

فاطمه(س) الگویی برای همه نسل ها

جواد محدثین
دین پژوه

امروزه، در دوران بحران‌های فکری و عقیدتی، انتقال میراث گرانبهای تشیع از نسل پیشین به نسل نو، درگیر چالش‌ها و آمیخته با تحولات پیچیده اجتماع ما و جهان است.تغییرات گسترده فرهنگ ارتباطات و تأثیرات عمیق تکنولوژی بر باورها و نگرش‌ها و... یادآور این سخن حکیمانه است که: «فرزندان خود را به گونه‌ای غیر از تربیت خویش بپرورید که آنان متعلق به زمانی غیر از زمان شمایند.»این سخن قطعاً شامل تربیت دینی نیز هست و البته به معنای تغییر رویکرد، روش و زبان تربیت است، نه تغییر محتوا و ارزش‌ها. در این نوشتار، روی سخن ما با کسانی است که در سایه سنگین تحولات اشاره شده و در طوفان حوادث، به میراث گرانبهای دینی سست عقیده نشده‌اند و «آنچه خود داشته‌اند زبیگانه تمنا نمی‌کنند» آنها که بر ارزش این گنجینه پرارج واقفند و دل در گرو حفظ و ترویج آن دارند.قرآن کریم به وضوح پیامبر اکرم(ص) را «الگوی نیکوی مؤمنان» شمرده و آن حضرت، دختر بزرگوار خود را با تعبیراتی ستوده که بالاتر از آنها را در مقام تأیید وتمجید از کسی نمی‌توان یافت.حضرت زهرا (س) بانویی است که پیامبر اکرم (ص) او را تنها همتای علی بن ابی طالب (ع) دانسته و فرمودند: اگر او نبود، تا قیامت کفوی برای علی علیه السلام یافت نمی‌شد.

صدیقه طاهره (س)، به موجب فضایلی که اینها گوشه‌ای از آن است، برترین الگوی والای اهل ایمان و بویژه بانوان مؤمن تا قیامت خواهد بود.

اما در اینجا سؤالی خود می‌نماید. آیا بانویی که قرن‌ها پیش می‌زیسته و تندباد حوادث روزگار، عمر کوتاهی را برای او رقم زد، چگونه می‌تواند الگوی زنان عالم، در همیشه تاریخ باشد؟

آیا بهتر نیست که به سراغ شخصیت‌های معاصر و نزدیک به زمان خود برویم که هر نقشی ایفا نموده‌اند، در شرایطی شبیه به وضعیت ما بوده و الگوبرداری از آنها عملی‌تر است؟بررسی و پاسخ به این سؤال را طی چند مرحله پی می‌گیریم:

پایه‌های اساسی کمال چیست و با گذر زمان چه نسبتی دارد؟

هر انسان متعارفی به سلسله‌ای از ارزش‌ها ارج می‌نهد و آنها را می‌ستاید؛ ارزش‌هایی از قبیل پاکی، صداقت، سختکوشی، وفاداری، گذشت، افتادگی و تواضع، نوع دوستی، سخاوت، عطوفت و... اساساً ارزش‌های یاد شده، محدود به زمان و مکان نیست و دستخوش تغییر نمی‌گردد.

اگر سخن از سخاوت باشد، کدام الگو را زیباتر از بخشیدن لباس عروسی توسط نوعروس، در آستانه جشن ازدواج سراغ دارید که فاطمه(س) چنین کرد. یا آنکه اهل خانه‌ای از کوچک و بزرگ، سه شب متوالی غذای مختصر افطار خود را ببخشند که اهل خانه فاطمه(س) چنین کردند.

اگر سخن از عطوفت باشد، فاطمه(س) در صحنه‌های سخت دوران بعثت در مکه با کمی سن، آنقدر به پدر ملاطفت می‌ورزد که پیامبر(ص) او را «ام ابیها» می‌خواند و در دوران زندگی مشترک که همزمان با آغاز دوران پرمشقت هجرت به مدینه شکل می‌گیرد، چنان با همسر خود رفتار می‌کند که امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «وقتی به خانه می‌آیم و به زهرا می‌نگرم، تمام غصه‌هایم برطرف می‌گردد.»

در باب قناعت و همسرداری چنان است که امیرالمؤمنین (ع) باید به اصرار از او بخواهد تا چیزی را از شوهر درخواست نماید، زیرا او پرهیز دارد که تقاضایی از همسر بنماید، نکند که فراهم نمودن آن خواسته، در توانش نباشد و به سختی‌اش بیفکند. آنچنان سختکوش و تلاشگر است که سلمان حضرتش را هنگام آسیاب کردن گندم می‌بیند، در حالی که دستان مبارکش زخم شده و همزمان به بچه‌داری مشغول است و چون سلمان تعجب می‌کند که فضه کجا است؟ بانو شرح می‌دهد که خدمتگزار را استراحت داده و امروز روز کار فاطمه(س) و فراغت فضه است.

خبرگزاری فارس

در مقام علم آموزی، آن هم به روزگاری که علم و دانش در نهایت غربت و مهجوریت بود، کسوت محلی می‌گیرد و آنگاه که بانویی از نیاموختن خود و تکرار چندباره سؤالش شرمنده می‌شود، حضرت زهرا(س) فضیلت‌های اعجاب‌آوری برای تعلیم عقاید دینی بیان می‌کند، تا زن بداند که با مراجعه به حضرت، وی را به فضیلتی نائل ساخته و نه آنکه زحمتی برای او فراهم ساخته باشد.

آنگاه که در نقش هدایتگر اجتماع ظاهر می‌شود، چنان خطابه می‌خواند که از یکسو ارکان ستم را به لرزه می‌اندازد و از دیگر سو خطبه فدکیه حضرتش پهلو به پهلو خطابه‌های علی مرتضی (ع) می‌زند و دستمایه حکمت اندوزی دانشمندان هر عصر و زمان می‌گردد. در راه شناساندن حق واحقاق آن، جان خود را سرمایه می‌کند و شمع وجودش در جوانی می‌سوزد تا راه هدایت که به برکت رسالت پدر بزرگوارش ترسیم شده، پوشیده نگردد. دلسوزی او برای مردمان تا آن حد است که وقتی رنجور و رنجیده در بستر افتاده و طوفان سهمگین حوادث پس از رحلت پیامبر (ص) وجود خسته‌اش را درهم کوفته، چون زنان مدینه به عیادتش می‌آیند و از حالش می‌پرسند، از خود هیچ نمی گوید و تنها بر عاقبتی شوم که مردان ایشان با پشت کردن به حق رقم زده‌اند هشدار می‌دهد و آنها را به بازگشت بر طریق هدایت تشویق می‌فرماید.

آنچه گفتیم و موارد مشابه در زندگی بانوی بزرگ اسلام، هر یک تابلویی راهنما و جهت دهنده است که می‌تواند نسل جوان و هر انسانی را در هر عصری به سوی کمال رهنمون گردد. عظمت شخصیت حضرت فاطمه زهرا (س) چنان است که کوتاهی عمر شریفش، مانع از شکل گیری چنین جلوه‌های خیره‌کننده‌ای نشد.

چنین تصویرهای زیبایی از کرامت و ارزش‌ها، سرمایه‌هایی نیست که با گذشت زمان کهنه شود و کارآیی خود را از دست بدهد بلکه برعکس، به موازات پیشرفت زندگی ماشینی و مدرن که گاه ارزش‌ها را کمرنگ و منزوی می‌کند، چنین الگوهای ممتاز رفتاری، جلوه بیشتری می‌یابد و نیاز به آن‌ها مبرم‌تر می‌شود.

■ از داشته‌های خود غفلت نکنیم

بحران‌های اجتماعی که در آغاز مقال بدان اشاره شد، بسیاری اوقات اساس اندیشه و جهت‌گیری فکری افراد را درهم می‌ریزد و از ارزش و کارآیی سرمایه‌های دینی غافل می‌سازد. به طوری که چشم بر این داشته‌ها می‌بندند و یکسره، پیشرفت و کمال را نزد دیگران می‌جویند. در حالی که شواهد عینی نشان می‌دهد گاه نسل جوان ما در الگوگیری به هر ناکجاآبادی چشم می‌دوزد و اثر می‌پذیرد، جمعی از آنان که در ترسیم خطوط فکری جامعه نقش دارند، نسبت به ارزش‌ها و الگوهای دینی، کم توجه و بلکه ایرادجو می‌شوند و وضع را بدتر از آنچه هست سوق می‌دهند.جهت گیری این افراد نسبت به شخصیت‌های معصوم دینی، حکایت گروهی از بنی اسرائیل است که (به نقل از قرآن کریم) از پیامبرشان درخواست کردند تا از خداوند بخواهد که فرماندهی برای آنان تعیین کند و هنگامی که پیامبر خدا پاسخ درخواست آنها را داد و گفت: «خداوند طالوت را فرمانده شما قرار داده است» بلافاصله به عیب جویی پرداخته و خود را سزاوارتر از طالوت که منتخب خداوند بود دانستند و تا آخر هم اکثراً زیر بار تبعیت از او نرفتند. (سوره بقره/ آیات ۲۴۶ ـ ۲۵۲)

بیایید دین خود و اولیای معصوم دین را، که در کنار قرآن کریم، دو پایه جدایی ناپذیر هدایتند، بیشتر باور کنیم و چنان نباشیم که «یار در منزل و ما گرد جهان می‌گردیم.»

شناخت صحیح دین، تنها با این ملاک مقدور است: قرآن کریم، پیامبر و عترت طاهرین علیه‌السلام و الگوهای معصوم دینی هرگز رنگ کهنگی نمی‌گیرد، بلکه روز به روز نوتر و نیاز بشریت بدان‌ها بیشتر می‌شود.

به فرموده امیرالمؤمنین (ع): «به اهل بیت پیامبرتان چشم دوزید و راه آنها را بپیمایید... از آنان پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید و عقب نیفتید که هلاک می‌گردید.» (خطبه ۹۷)